

# تجربه زیسته جوانان مجرد نسبت به افزایش سن ازدواج (بررسی نگرش، علل، راهبردها و استراتژی جوانان نسبت به افزایش سن ازدواج)

زهرا خندان<sup>۱\*</sup>

فریبا سیدان<sup>۲</sup>

زینب رضایی<sup>۳</sup>

## چکیده

افزایش سن ازدواج، معضل و آسیبی است که اگر به آن رسیدگی نشود، باید از افزایش نسل تأثیرگذار چشم‌پوشی کرد. جوانان، نیروهای استراتژیک برای کشور هستند که اگر به ازدواج به‌عنوان، نیاز غریزی آنها که زمینه‌ساز رشد و کمال آنها نیز هست، توجهی نشود، افسردگی، کاهش امید به زندگی و فعالیت سازنده در کشور رخ می‌دهد. هدف اصلی این پژوهش، تحلیل، تبیین و تفسیر پدیده افزایش سن ازدواج بر اساس تجربه زیسته دختران و پسران مجرد است. اطلاعات پژوهش از طریق مصاحبه عمیق با ۲۳ نفر، شامل ۱۳ دختر، ۱۰ پسر که به روش گلوله برفی مشخص شده‌اند، جمع‌آوری شده است. روش پژوهش بر نظریه مبنایی مبتنی بوده و اطلاعات با استفاده از کدگذاری محوری تحلیل شده است. با توجه به تحلیل داده‌ها، می‌توان نوگرایی را یکی از عوامل اصلی مؤثر بر نگرش مجردین دانست که شامل افزایش فرهنگ مدرنیته و شهرنشینی، روابط آزاد جنسی و... می‌باشد. از سوی دیگر، افزایش فرهنگ چشم و هم‌چشمی در جامعه، پایبند بودن به رسومات غلط، نیز مؤثر بوده است. در این بین حمایت خانواده‌ها و تربیت غیرمسئولانه و بر محور شادکامی و رفاه‌طلبی، نقش اصلی را ایفا می‌کند؛ اما نمی‌توان از مهیا نبودن زیرساخت‌ها برای ایجاد حداقل زندگی چون مسکن، درآمد، خوابگاه متأهلی و... گذشت؛ نقش رسانه و تغییر معیارهای ازدواج و حرکت به سوی ایدئالیست‌گرایی از دیگر علل می‌باشد. در استراتژی مجردین نسبت به افزایش سن ازدواج به افزایش باورهای مذهبی و مهارت‌های زندگی، همچنین ایجاد زیرساخت‌ها توسط دولت با مدیریت فرهنگی جایگاه قابل توجهی دارد.

۱  
**واژگان کلیدی:** افزایش سن ازدواج، روش کیفی، نوگرایی، ترس از ازدواج.

\* تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۲/۲۴، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۹/۳۰

۱. کارشناسی ارشد مطالعات زنان (نویسنده مسئول: 3arbaz.velayat@gmail.com)

۲. استادیار دانشگاه الزهراء

۳. استاد حوزه و پژوهشگر

## مقدمه

امروزه کمتر کسی را می‌توان یافت که از سر تأمل، تحولات فرهنگی-اجتماعی دهه‌های اخیر را-چه در ایران و چه در دیگر کشورهای جهان- پی بگیرد و نگرانی خود را از تحولات خانواده، به منزله واحد بنیادین حیات اجتماعی آشکار نسازد؛ زیرا اولین و حساس‌ترین پایگاه بسترساز رشد جسمی، روحی، روانی، اجتماعی هر انسانی در جامعه، خانواده است. خانواده، مهم‌ترین نهاد و هسته مرکزی اجتماع به‌شمار می‌رود (ایکامری، ۲۰۰۵). از این رو، بررسی تحولات خانواده مهم به نظر می‌رسد. خانواده ایرانی در دهه‌های اخیر، همچون بسیاری جوامع دیگر، در معرض تحولاتی مهم بوده است. افزایش سن ازدواج، افزایش تمایل به مجرد و تک‌زیستی، تغییر نگرش‌ها که به تردید در ضرورت تشکیل خانواده به‌عنوان مسیر تکاملی در زندگی منجر شده است؛ ازدواج یکی از مهم‌ترین ارکان جامعه و عامل قوام خانواده می‌باشد، و این خانواده است که، به تأیید بسیاری از جامعه‌شناسان همانند کنت و کولی، اولین و ایدئال‌ترین مثال برای گروه‌های نخستین و مهم‌ترین مرحله جامعه‌پذیری افراد است.

## طرح مسئله

رابرت کی مرتن معتقد است که بی‌سامانی و ناهنجاری در ساخت اجتماعی زمانی رخ می‌دهد که هماهنگی میان راه‌ها و اهداف از بین برود (مجدالدین و جمالی، ۱۳۸۶، ص ۱۴۸). گذر جوامع از دوران سنتی و پا گذاشتن به دنیای مدرن، بر ارزش‌ها، سلیق، تمایلات و انتخاب‌های افراد تأثیرگذار بوده است. بی‌شک، آنها را با پیدایش تغییرات اساسی در همه جنبه‌های زندگی روبرو کرده است (ساروخانی و مقربیان، ۱۳۹۰، ص ۴۴). تضعیف ارزش‌های مذهبی، کم‌اهمیت شدن ارزش‌های سنتی (نوریس و اینگلهارت، ۲۰۰۴، ص ۳)، پیدایش سبک زندگی نوین (گیدنز، ۱۹۹۱، ص ۵۵؛ بوردیو، ۱۹۸۴، ص ۳۸)، اصالت فرد (رحمان و همکاران، ۲۰۱۴، ص ۱۲) استفاده از تکنولوژی مدرن و کالای حاصل از آن (چیو و همکاران، ۲۰۱۲، ص ۴۲۶) رفاه‌طلبی (ترنر، ۱۹۹۶، ص ۶۸) برد جهانی رسانه‌های ارتباطی (گیدنز، ۱۳۷۶، ص ۶۲۱) از نمونه‌های بارز این تحولات است.

تشکیل خانواده و ازدواج در جامعه ایران اهمیت خاصی دارد و ارزش‌گذاری آن هم در خانواده‌ها و جامعه و مبانی دینی نهاده شده است؛ اما زیرساخت‌های اقتصادی کشور، فرهنگ اعضای جامعه،

رسم و رسومات غلط و بی‌نیازی کاذب ناشی از روابط باز، تناقض بین اهداف و راه رسیدن ایجاد نموده است. بنابراین، افزایش سن ازدواج یک بی‌سامانی در ساخت اجتماعی ایران است. افزایش مشارکت زنان، عدم حمایت صحیح خانواده‌ها، عوامل رسانه‌ای و مدیریت فرهنگی با برنامه‌ریزی‌های غلط سبب شده است، سن ازدواج افزایش یابد و انرژی جوانان که یکی از مهم‌ترین منابع استراتژیک کشور، برای پیشرفت و آبادانی جامعه است، به هرز رود.

این نسل جوان است که باید، نسل آینده را جایگزین نماید و با ادامه این روند با مشکلات جمعیتی، فرهنگی، تغییر اخلاق جامعه روبرو خواهیم شد. متأسفانه امروزه سن ازدواج در دختران و پسران رو به افزایش است و افسردگی، کاهش انرژی برای تلاش علیه مشکلات، کاهش شادکامی و... در جوانان مجرد افزایش یافته است. بنابراین، می‌توان افزایش سن ازدواج را یک آسیب و معضل در جامعه دانست؛ زیرا بحث آسیب، زمانی برای یک نهاد مطرح می‌شود که نتواند کارکردهای مورد انتظار را محقق کند یا در آستانه انحلال قرار گیرد. هدف از این مقاله، یافتن درک مجردین از هر دو جنس، نسبت به افزایش سن ازدواج است که در ادامه از آنها خواسته شد، علل و عوامل مؤثر و راهکار خود را برای کاهش این رخداد بیان نمایند؛ تا چراغی باشد برای پژوهش‌های دیگر و برنامه‌ریزی‌های کلان‌کشوری که بر مبنای نگرش خود جوانان مجرد باشد.

## اهداف پژوهش

هدف اصلی این پژوهش، تحلیل، تبیین و تفسیر پدیده افزایش سن ازدواج بر اساس تجربه زیسته دختران و پسران مجرد است. استفاده از تجربیات مجردینی که در جامعه، هدف سیاست‌های فرهنگی - اجتماعی هستند، منجر به شناخت علل و استراتژی‌های مؤثر بر پدیده افزایش سن ازدواج می‌گردد. از جمله اهداف این پژوهش، فهم تجربه زیسته دختران و پسران مجرد از نگرش آنان به افزایش سن ازدواج، و درک توصیف آنان از عوامل، همچنین شناخت استراتژی‌های آنها در ارتباط با پدیده افزایش سن ازدواج است.

## سوالات پژوهش

۱. نگرش دختران و پسران مجرد نسبت به پدیده افزایش سن ازدواج چیست؟

۲. چه عواملی بر نگرش آنان نسبت به افزایش سن ازدواج مؤثر است؟
۳. راهبردها و استراتژی خود مجردین نسبت به افزایش سن ازدواج چیست؟

## ادبیات پژوهش

در زمینه افزایش سن ازدواج پژوهش‌های صورت گرفته که به برخی از آنها اشاره می‌کنیم. مجدالدین و جمالی (۱۳۸۶)، در پژوهشی که با رویکردی تحلیلی و انتقادی به بررسی عوامل اجتماعی مؤثر بر بالا رفتن سن ازدواج دختران روستایی پرداخته، مهاجرت را مهم‌ترین عامل بالارفتن سن ازدواج در دختران روستایی بیان کردند. همچنین، امکان مهاجرت در بین پسران، ادامه تحصیل را در آنها فراهم می‌کند و بالارفتن تحصیلات پسران، دایره انتخابشان را گسترده می‌سازد. همچنین مظلوم خراسانی و قناد (۱۳۸۵)، در پژوهش خود دریافتند، در صورتی که سن همسر افزایش یابد، میزان رضایتمندی کاهش می‌یابد. صرابی و مصطفوی (۱۳۹۰)، در پژوهش خود تأثیر مثبت سطح تحصیلات را بر سن ازدواج زنان اثبات می‌کنند. همچنین، متغیر شهری بودن در مقایسه با روستایی بودن، تأثیر منفی بر سن ازدواج زنان را نشان می‌دهد.

رویکردها و تبیین‌های نظری مطرح در زمینه تغییرات ازدواج و خانواده را می‌توان به دو گروه کلی تقسیم نمود: گروه اول، تأکید بیشتری بر نقش تغییرات ساختاری جامعه در تبیین تغییرات خانواده دارند (تبیین‌های ساختاری). گروه دوم، بیشتر بر نقش عوامل فرهنگی و تغییر ایده‌ها در تبیین تغییرات خانواده تأکید می‌کنند (تبیین‌های ایده‌ای). یکی از رایج‌ترین و پرکاربردترین تبیین‌های ساختاری، تئوری مدرنیزاسیون یا همگرایی خانواده است. طبق این نظریه، فرایند مدرنیزاسیون، موجب تجدید ساختار جوامع از طریق صنعتی شدن، شهرنشینی، افزایش آموزش، گسترش رسانه‌های گروهی، توسعه حمل و نقل و ارتباطات و... می‌شود. تحت تأثیر این تحولات ساختاری، الگوها و عناصر سنتی ازدواج و خانواده در جوامع کمتر توسعه یافته، سرانجام به سمت مدل جهان‌شمول خانواده مدرن غرب با ویژگی‌هایی نظیر هسته‌ای بودن، فردمحوری، آزادی در انتخاب همسر، ازدواج در سنین بالا، باروری پایین و برابری جنسیتی پیش خواهد رفت. در تبیین‌های ایده‌ای و نگرشی، عمدتاً بر نقش تغییرات فرهنگی و ارزشی جوامع (نظیر رشد فردگرایی و سکولاریسم و همچنین اشاعه ایده‌ها و ارزش‌های غربی)، در تغییر رفتارها و ایدئال‌های مرتبط با ازدواج و خانواده تأکید می‌شود.

لازم به ذکر است که در قرن بیستم، به‌ویژه از جنگ جهانی دوم، تحولاتی در زندگی اجتماعی و اقتصادی در کشورهای جهان رخ داده است. این تغییرات با نوسازی و مدرنیزاسیون مرتبط بوده که بر روی الگوهای ازدواج و زندگی خانوادگی تأثیر گذاشته است (گیونز و هیرشمن، ۱۹۹۴، ص ۸۲۰). نوسازی، فرایندی است که طی آن ارزش‌ها، نگرش‌ها، اعمال و ساختارهای اجتماعی سنتی از بین رفته و دیدگاه‌های مدرن جایگزین آنها می‌شود. در صورتی‌که، در جوامع سنتی باورهای دینی و ساختارهای خویشاوندی تفوق و برتری دارند (نیلسون، ۲۰۰۴، به نقل از: بهرام، ۱۳۹۳، ص ۹۷). کومار، مدرنیزاسیون را با ملاحظه کلی‌ترین سطح، در اصل فردی شدن، تمایز یا تخصصی شدن و انتزاع می‌داند. وی نوسازی را دارای دو مرحله می‌داند: ابتدا باعث پیدایش نهادها و ارزش‌های اجتماعی جدید می‌شود که در این مرحله مقاومت‌های اولیه به صورت شدید و طولانی باشد ولی عموماً محکوم به شکست هستند و سپس با مدرن‌سازی جامعه مسائل جدید اجتماعی همچون فردگرایی، افزایش جرم و انحرافات، از خودبیگانگی، طلاق و عدم ثبات خانواده مشاهده می‌شود (کومار، ۱۳۸۰، ص ۲۱۱-۲۸۴، به نقل از: بهرام، ۱۳۹۳، ص ۹۸). همچنین، بنا بر نظر گیدنز، «مدرنیت به شیوه‌هایی از زندگی یا سازمان اجتماعی مربوط می‌شود که از قرن هفدهم به بعد در اروپا پیدا شد و به تدریج نفوذی کم و بیش جهانی پیدا کرد» (گیدنز، ۱۳۸۴، ص ۴). مدرنیت در ساده‌ترین صورت، شکل خلاصه شده‌ی تعبیر جامعه‌ی مدرن یا تمدن صنعتی است (پیرسون، ۱۳۸۰، ص ۱۶۵). تجدد تغییرات ریشه‌ای در کیفیت زندگی روزمره پدید می‌آورد و بر خصوصی‌ترین وجوه تجربیات ما اثر می‌گذارد (گیدنز، ۱۳۹۱، ص ۱۵). هیچ‌کس نمی‌تواند از تغییرات ناشی از مدرنیت گریزی داشته باشد (مایلز، ۱۳۹۲، ص ۹۸). از نظر گیدنز، مدرنیت همانند شمشیر دولبه‌ای است. تحول نهادهای اجتماعی مدرن و گسترش جهانی آنها، در مقایسه با نظام پیش‌مدرن، امکانات بسیار بیشتری را جهت برخورداری از یک زندگی ایمن و خوشایند برای انسان آفریده است. اما روی تلخی نیز دارد که در قرن کنونی بسیار آشکار شده است (گیدنز، ۱۳۸۴، ص ۱۰). دنیای متجدد کنونی سرشار از تهدیدها و خطرات هول‌انگیز است، نه به دلیل آنکه به طرزی اجتناب‌ناپذیر به سوی مصیبت و فاجعه پیش می‌رود، بلکه به این علت که خطرهای احتمالی بی‌سابقه‌ای را وارد میدان می‌کند که نسل‌های قبلی به هیچ وجه با آنها سروکار نداشته‌اند (گیدنز، ۱۳۹۱، ص ۱۹). شیوه‌های زیستی که با مدرنیت پدید آمده عرصه حیات گذاشته‌اند، به گونه‌ای غیرمترقبه ما را از انواع نظم اجتماعی سنتی دور ساخته‌اند (گیدنز، ۱۳۷۶، ص ۱۴۰). بر اساس تفکر گیدنز، تجدد نوعی نظم پس از جامعه سنتی است (گیدنز، ۱۳۹۱،

ص ۱۷). شتاب دگرگونی در شرایط مدرنیت بسیار تندتر است. شاید این امر از جهت تکنولوژی از همه آشکارتر باشد (همان، ص ۹). تکنولوژی‌های جدید فرایند رسانه‌ای شدن را دگرگون و متحول می‌کنند. امروزه مردم می‌توانند از طریق اینترنت با بیرون از مرزهای خود ارتباط برقرار کنند و اطلاعاتی درباره هرچه که می‌خواهند کسب کنند، بی آنکه با انواع دروازه‌بانانی مواجه شوند که رسانه‌های سنتی را کنترل می‌کنند (گیبینز و ریمر، ۱۳۸۱، ص ۶۳). اما همین شتاب قلمروهای دیگری را نیز تحت تأثیر قرار داده است. انقطاع دیگر، پهنه دگرگونی است، موج‌های دگرگونی اجتماعی کم‌وبیش سراسر سطح زمین را درنور دیده‌اند (گیدنز، ۱۳۹۱، ص ۱۹). بازاندیشی یکی از مفاهیم جامعه‌مدرن است. افراد به پیامد کنش‌ها توجه می‌کنند، دقت دارند، محاسبه و ارزیابی می‌کنند، گیدنز این فرایند را نظارت بازاندیشانه کنش می‌نامد و بازاندیشی در زندگی اجتماعی مدرن، دربرگیرنده این واقعیت است که عملکردهای اجتماعی در پرتو اطلاعات تازه درباره خود آنها، اصلاح می‌شوند. ویژگی مدرنیت، فرض بازاندیشی درباره همه چیز، سنت، عادت، عملکرد و حتی توانایی بازاندیشی کنشگران از ژرفای هویت فردیت است. اینگهارت نیز نوسازی و فرانسوزی را دو فرایند اجتماعی مهم می‌داند که در طول تاریخ به وقوع پیوسته است. به عقیده وی، فرایند مدرنیت، جهان سنتی را متلاشی می‌کند و پیوندهای جمعی و مشترک در آنجا جای خودشان را به روابط غیرشخصی و رقابتی دو جانبه‌ای می‌دهد که مبتنی بر توفیق شخصی است (اینگهارت، ۱۹۹۷، ص ۷۶). لازم به ذکر است که یکی از مهم‌ترین ابعاد نظریه مدرنیزاسیون، هزینه و فایده، کاربرد عقلانیت و بازاندیشی است.

همچنین، می‌توان ابراز داشت، در این بررسی‌ها باید بر رابطه ساختار و عاملیت تأکید کرد. ساختارهای اقتصادی و اجتماعی به دنبال پذیراندن شرایط و پیامدهای خود بر فرایند زندگی اجتماعی‌اند؛ اما انسان‌ها نیز همچون فاعلی با اختیار، در کنش و واکنش با شرایط ساختاری، در چارچوب رفتارهای فردی یا گروهی، تا اندازه‌ای دست به‌گزینش می‌زنند (مرکز تحقیقات زنان و خانواده، ۱۳۹۲، ص ۲۳). ما با شبکه‌ای از عوامل اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و سیاسی روبرویم که تحولات این‌چنینی را شکل می‌دهند.

## روش پژوهش

روانشناسی و علوم اجتماعی در به‌کارگیری روش‌های کیفی سابقه‌ای طولانی دارند. ویلهم وونت

(۱۹۲۸)، در مطالعه‌ای که درباره روان‌شناسی قومی انجام داد، علاوه بر روش‌های تجربی و روان‌شناسی عمومی‌اش، از روش‌های توصیف و تفهم نیز سود برد (خاکخور، ۱۳۹۱، ص ۳۸-۳۹). پژوهش‌های کیفی اغلب از تبیین استقرایی بهره می‌برند. در تبیین استقرایی که کم‌وبیش از یک فرضیه ویژه شروع شده و به جهان تجربی می‌نگرد، تا مشاهده کند که اگر فرضیه با حقایق حمایت شود، ما می‌توانیم جهان اجتماعی را به امتحان بگذاریم. در این فرایند توسعه یک فرضیه با آنچه ما می‌بینیم مطابقت می‌کند که اغلب نگرش پایه‌ای نامیده می‌شود (استراس و کوربین، ۱۳۸۵، ص ۷۴).

نظریه مبنایی به منزله یکی از گونه‌های تحقیق کیفی به دنبال کشف نظریه از دل داده‌های میدانی است. در نظریه مبنایی محقق به شیوه استقرایی به مطالعه پدیده‌ها می‌پردازد و آنها را کشف و به صورت تجربی از طریق گردآوری منظم اطلاعات و تجزیه و تحلیل داده‌ها اثبات می‌کند. در این روش گردآوری اطلاعات و تجزیه و تحلیل آنها، رابطه تنگاتنگ با یکدیگر دارند، تحقیق از یک نظریه شروع نمی‌شود، بلکه از یک حوزه مطالعاتی آغاز و فرصت داده می‌شود تا آنچه متناسب و مربوط به آن است، خود را نشان دهد. نظریه‌ای که به این روش ساخته و پرداخته می‌شود باید معیارهای قضاوت درباره منطبق بودن نظریه با پدیده را برآورده سازد. بدین ترتیب، انطباق یافته‌ها با زمینه‌ای که از آن نشئت گرفته هم برای کسانی که مورد مطالعه قرار گرفته‌اند و هم برای گروه و همکاران محقق و همچنین جامع بودن و تنوع کافی داشتن و قابل پیاده بودن در محتوای گوناگون مربوط به آن پدیده از اصول لاینفک روش نظریه مبنایی است (محمدی، ۱۳۸۷، ص ۱۲۰). نظریه مبنایی به‌عنوان روش، نوعی تحقیق در عرصه است. تحقیق در عرصه، نوعی تحقیق کیفی است که محقق پدیده‌ها را در موقعیت طبیعی آنها مورد بررسی قرار داده و توصیف می‌نماید و هدف از آن بررسی عمیق رفتارها و عقاید و تفکرات افراد و گروه‌ها به همان نحوی است که در زندگی واقعی آنها روی می‌دهد (ادیب حاج باقری و همکاران، ۱۳۶۸، ص ۱۲۰).

در این پژوهش، نمونه‌گیری نظری عبارت است از: فرایند گردآوری داده‌ها برای نظریه‌پردازی. از این طریق تحلیل‌گر به طور همزمان داده‌هایش را گردآوری و کدگذاری و تحلیل می‌کند و تصمیم می‌گیرد که چه داده‌هایی را در مرحله بعد گردآوری و آنها را کجا پیدا کند تا بدین وسیله نظریه‌اش را در حین شکل‌گیری‌اش تدوین کند. نظریه در حال تدوین فرایند گردآوری داده‌ها را کنترل می‌کند (گلیزر، ۱۹۶۷، ص ۴۵).

جامعه هدف این پژوهش، دختران و پسرانی هستند که در سن ازدواج هستند اما ازدواج نکردند. مهم‌ترین ویژگی جامعه هدف، تنوع تحصیلاتی، شغلی و جنسی جامعه است که شامل دانشجوی، طلبه، شاغل می‌باشد. قبل از مصاحبه به مصاحبه‌شونده‌ها اطمینان داده می‌شد که نام آنها در هنگام ارائه مصاحبه کاملاً محرمانه بوده و در هنگام ثبت کدگذاری می‌شود. مصاحبه به این شکل صورت گرفت که در ابتدا با اجازه مصاحبه‌شوندگان مصاحبه ضبط و همچنین برخی از نکات برجسته در زمان مصاحبه نگاشته می‌شد. برای دستیابی به اشباع نظری و قطع نمودن جریان و فرایند مصاحبه، پس از انجام مصاحبه، کدگذاری لازم انجام می‌گرفت تا به تحلیل در مراحل بعد پرداخته شود.

برخلاف تحقیقات کمی در روش نظریه‌مبنایی نمی‌توان پیش از ورود به میدان تحقیق حجم نمونه را تعیین کرد؛ به این معنا که چون در این روش انتخاب نمونه با هدف رسیدن به گزاره‌ها و روابطی صورت می‌گیرد که مستند به داده‌های تجربی باشند نه با هدف تعمیم آماری، تا زمانی که نمونه‌های اضافی اطلاعات مفید و مرتبطی را درخصوص مسئله مورد مطالعه در اختیار محقق قرار دهند، فرایند نمونه‌گیری و جمع‌آوری داده‌ها ادامه می‌یابد. در این پژوهش، با توجه به هدف مطالعه که جست‌وجو و توصیف درک تجربه مجردین از افزایش سن ازدواج است، شرکت‌کنندگان که مشتمل بر ۲۳ نفر مجرد که شامل: ۷ دختر دانشجوی، ۷ دختر شاغل، ۲ پسر دانشجوی، ۴ پسر طلبه و ۴ پسر شاغل مجرد است که بر اساس نمونه‌گیری هدفمند از بین مجردینی که دارای اطلاعات کافی و غنی از تجربیات زیسته خود بودند، مورد مصاحبه قرار گرفته‌اند.

در رویکرد *اشتراوس* (۱۹۸۷)، تفسیر داده‌ها در قلب پژوهشی تجربی قرار دارد که البته شامل روش‌های مشخص برای گردآوری داده‌ها می‌شوند. تفسیر متون به تدوین نظریه و نیز شکل دادن به مبنایی برای گردآوری داده‌های اضافی و تصمیم‌گیری درباره اینکه کدام مورد در مرحله بعد انتخاب شود، کمک می‌کند. به همین دلیل، فرایند خطی که طی آن ابتدا داده‌ها گردآوری و سپس تفسیر داده‌ها انجام می‌شود کنار گذاشته شده و در عوض، از فرایندی که در آن تفسیر و گردآوری درهم تنیده شده‌اند، استفاده می‌شود. تفسیر متون می‌تواند دو هدف متضاد را دنبال کند. هدف اول، آشکار کردن گزاره‌ها یا قرارداد آنها در بسترشان در متن که به طور معمول به افزایش داده‌های متنی منجر می‌شود. هدف دیگر، کاستن از حجم متن از طریق نقل به معنا، خلاصه کردن یا مقوله‌بندی آن است. فرایند کدگذاری از داده‌ها آغاز می‌شود و طی فرایند انتزاع، به تدوین نظریه منتهی می‌شود (فیلک،



۱۳۷۸، ص ۳۳۰). فرایند مرتبط کردن مقوله‌های فرعی به مقوله‌های اصلی‌تر کدگذاری محوری است. این عمل شامل فرایند پیچیده تفکر استقرایی و قیاسی است که طی چند مرحله انجام می‌گیرد. این فرایند نیز مانند کدگذاری باز از طریق انجام مقایسه و طرح پرسش انجام می‌شود. البته در کدگذاری محوری استفاده از این روش‌ها متمرکزتر است و تلاش می‌شود تا مقولات بر اساس الگوی پارادایمی ایجاد و کشف شوند (استراس و کوربین، ۱۳۸۵، ص ۱۱۴).

## یافته‌های پژوهش

مشخصات جامعه نمونه پژوهش در جدول ۱ آورده شده است. همان‌گونه که مشاهده می‌کنیم جامعه هدف پژوهش حاضر، دختران و پسرانی هستند که در سن ازدواج قرار دارند. مهم‌ترین ویژگی جامعه هدف، تنوع جنسیتی و توانایی انجام مصاحبه و تبیین موضوع، بوده است.

جدول ۱. مشخصات نمونه

کد	سن	شاغل	محل زندگی فعلی و محل تحصیل	محل زندگی والدین	میزان تدین ظاهری	اعضای مجرد خانواده	تحصیلات	جنس
۱	۱۳۶۷	+	قم	خوزستان	خوب	۱ خواهر متولد ۱۳۶۸	ارشد علوم قرآن	دختر
۲	۱۳۶۲	+	قم	قم	خوب	خواهر متولد ۱۳۶۳، ۲ برادر متولد ۱۳۶۷ و ۱۳۷۱	ارشد زبان	دختر
۳	۱۳۶۷	-	قم	قم	خوب	۲ خواهر متولد ۱۳۶۲ و ۱۳۶۳ و برادر متولد ۱۳۷۱	ارشد مکانیک	پسر
۴	۱۳۶۶	-	قم	قم	خوب	۴ خواهر کوچکتر و برادر متولد ۱۳۶۵	ارشد زیست	دختر
۵	۱۳۵۹	+	قم	قم	متوسط	-	ارشد جغرافیا	دختر
۶	۱۳۶۳	+	تنکابن	تنکابن	ضعیف و تجربه رابطه آزاد	۱ خواهر متولد ۱۳۶۵	ارشد زبان	دختر

ادامه جدول ۱. مشخصات نمونه

کد	سن	شاغل	محل زندگی فعلی و تحصیل	محل زندگی والدین	میزان تدین ظاهری	اعضای مجرد خانواده	تحصیلات	جنس
۷	۱۳۶۵	-	تنکابن	تنکابن	ضعیف و تجربه رابطه آزاد	۱ خواهر متولد ۱۳۶۳	کتابداری	دختر
۸	۱۳۶۵	+	تهران	رشت	ضعیف و تجربه رابطه آزاد	-	دکتری عمران	پسر
۹	۱۳۶۶	آزاد	رامسر	رامسر	خوب	۱ برادر متولد ۱۳۶۷	معماری	پسر
۱۰	۱۳۶۵	-	تهران	قزوین	خوب	۱ برادر متولد ۱۳۷۵	شیمی	دختر
۱۱	۱۳۶۵	-	تهران	نکا	متوسط	۱ خواهر متولد ۱۳۶۸	مطالعات زنان	دختر
۱۲	۱۳۶۸	+	همدان	همدان	خوب	۲ خواهر متولد ۱۳۵۲ و ۱۳۷۳	کاردرمانی	دختر
۱۳	۱۳۶۷	-	تهران	تهران	خوب	۱ برادر متولد ۱۳۶۶	شهرسازی	دختر
۱۴	۱۳۶۶	آزاد	تهران	تهران	متوسط	۱ خواهر متولد ۱۳۶۷	فوق دیپلم	پسر
۱۵	۱۳۶۵	+	تهران	تهران	متوسط	۲ خواهر متولد ۱۳۶۳ و ۱۳۷۲	مطالعات زنان	دختر
۱۶	۱۳۶۶	+	تهران	روستایی در همدان	متوسط	-	صنایع	دختر
۱۷	۱۳۶۷	-	تهران	لارشریز	متوسط	-	زبان	دختر
۱۸	۱۳۶۷	-	تهران	بابل	متوسط	-	مطالعات زنان	دختر
۱۹	۱۳۷۰	-	اراک	اراک	خوب	-	طلبه	پسر
۲۰	۱۳۷۰	-	اراک	اراک	خوب	-	طلبه	پسر
۲۱	۱۳۶۵	-	اراک	اراک	خوب	-	طلبه	پسر
۲۲	۱۳۶۹	-	اراک	اراک	خوب	-	طلبه	پسر
۲۳	۱۳۶۶	-	تهران	ساوه	خوب	-	شیمی	دختر

در این بخش، نتایج حاصل از تجزیه و تحلیل مصاحبه‌ها به صورت کدگذاری محوری بیان شده است.

## نگرش دختران و پسران مجرد نسبت به پدیده افزایش سن ازدواج

### الف. معضل بودن افزایش سن ازدواج

کتاب طبیعت و فطرت آغاز این فصل از زندگی را از پیش معین کرده، پس نمی‌توان افزایش سن ازدواج را طبیعی خواند؛ زیرا میل به ازدواج، غریزی بوده است و برای مشکلات ناشی از عدم ازدواج یا باید برای هر دقیقه برنامه ریخت تا دچار گناه نشود و یا با تخیل یا زنا از فشار رهایی یابد.

کد ۱۹: «افزایش سن ازدواج، دو راه بیشتر ندارد: یا آنکه آنقدر برنامه خود را فشرده بچیند که حتی یک دقیقه هم وقت آزاد نداشته باشد یا نیاز خود را رفع کند. اگر متقی باشد با ازدواج موقت، یا اگر متقی نباشد با روابط باز و تخیلات».

کد ۱: «افزایش سن ازدواج، با افزایش دل‌مشغولی جوانان، کاهش اعتقادات مذهبی، ترس از خرج و مخارج، کم‌کم در حال طبیعی شدن و مد شدن است اما صد درصد معضل اجتماعی است».

کد ۵: «افزایش سن ازدواج، به علت مسائل تاریخی کشور ماست، بعد از وقوع جنگ، نرخ مردان کاهش و بیوه شدن عده‌ای و عده‌ای هم که در سن ازدواج بودند با توجه به فرهنگ اختلاف سنی ۵ الی ۸ سال مجرد ماندند و معضلی است مخصوصاً برای دهه شصتی‌ها».

### ب. طبیعی بودن افزایش سن ازدواج و انتخابی شدن ازدواج

امروزه ازدواج انتخابی شده است، درحالی‌که در گذشته یک تقدیر بود و هر کس که ازدواج نمی‌کرد، شاخص می‌شد، اما اکنون طبیعی و انتخابی به آن نگاه می‌شود. همچنین، با توجه به افزایش نگرش‌های شادکامی فردی و حال‌نگری افراد، بعضی از مجردین که از سطح اجتماعی-اقتصادی بالایی برخوردار بودند، آن را طبیعی می‌دانستند و دید مثبتی به ازدواج در سن پایین نداشتند.

کد ۲: «افزایش سن ازدواج وجود دارد و غیرقابل اجتناب است، من خیلی هم بدم نمی‌آید که بالا رفته است چون ازدواج زیر ۲۵ سال در دختران، ناپخته است».

### پ. افزایش سن ازدواج معضل است اما مجردین آسیب نیستند

مشکل فرهنگی که در جامعه ایرانی وجود دارد، آن است که به مجردین در سنین بالا، به چشم آسیب و معضل نگاه می‌کنند و با عدم حمایت صحیح از جوانانی که پایگاه اقتصادی بالایی ندارند، آنها را به سمت آسیب شدن سوق می‌دهد.

کد ۵: «افزایش سن ازدواج، معضل اجتماعی است و باید این معضل را به فرصت تبدیل کرد و نباید صورت مسئله را پاک کرد؛ باید نگاه‌ها به ما به‌عنوان آسیب اجتماعی نباشد، عده‌ای به من به‌عنوان معضل اجتماع می‌نگرند، ما هنوز آسیب نشده‌ایم، اما اگر حمایت صورت نگیرد از بیمه تا شغل امکان دارد آسیب شویم. تکلیف ما چیست؟ ما باید نسل تولید کنیم».

### **ت. کاهش شادکامی و افزایش اضطراب**

کد ۶: «افزایش سن ازدواج طبیعی نیست و باید حل شود، انرژی آدم را می‌گیرد و اگر افزایش یابد دیگر تحملی برای مبارزه با مشکلات، سختی‌های زندگی نمی‌ماند؛ زیبایی‌های زندگی در این است که همه چیز در جای خودش باشد، زنی که ۳۰ ساله می‌شود دیگر برای مادر شدن انگیزه ندارد».

کد ۷: «اگر سن ازدواج افزایش یابد، پیری زودرس به وجود می‌آید و افسردگی جوانان در ایران افزایش یافته است و نشاط جوانی، پشتکاری برای ادامه حیات زندگی نمی‌بیند و از زیر بار مسئولیت رفتن، می‌هراسند».

### **ث. مزیت افزایش سن ازدواج**

به علت فرهنگ غلط، برخی از جوانان از آنکه در هر خانواده یک مجرد در سن بالا وجود دارد که موجب می‌شود، تحت فشار و تمسخر قرار نگیرند، احساس رضایت می‌کنند.

کد ۱۱: «اطرافیان من، نسبت به عدم ازدواج، دلهره دارند؛ اما به نظر من، اگر یک چیز فراگیر شود، مشکل عمومی می‌شود و نباید خودمان را عذاب دهیم، الان در بیشتر خانه‌ها، یک مجرد وجود دارد و مزیت آن، این است که دیگر مورد تمسخر قرار نمی‌گیریم».

## **علل و عوامل مؤثر بر پدیده افزایش سن ازدواج**

### **نقش خانواده و تربیت فرزندان**

#### **الف. عدم تربیت مسئولیت‌پذیرانه در دختران و بخصوص پسران**

خانواده، در جامعه‌پذیر کردن کودکان نقش اساسی ایفا می‌کند؛ هر قدر تربیت خانوادگی بر اساس رفاه‌طلبی و هرچه او خواست، باشد؛ فرزندان فردگراتر و مسئولیت‌گریزتر می‌شود.

متخصص ۲: «تحمل نداشتن مشکلات، راحت‌طلبی، عدم مسئولیت‌پذیری؛ افزایش سن ازدواج را به دنبال دارد. بعضی از افراد نیز به علت تربیت نادرست خانواده به بلوغ نرسیده‌اند». کد ۲۰: «علت اصلی ازدواج نکردن جوان‌ها، آماده نبودن آنهاست نه مشکلات اقتصادی».

### **ب. کاهش حمایت صحیح خانواده**

برخی از خانواده‌ها، با وجود داشتن توان حمایتی؛ از فرزندان خود حمایت نمی‌کنند. کد ۱۴: «به علت عدم داشتن کار ثابت، پدر و مادر حاضر نیستند برایم خواستگاری بروند». متخصص ۱: «نقش خانواده‌ها در ازدواج بسیار اهمیت دارد؛ بعضی از دختران گریه می‌کنند که خانواده می‌گوید حتماً باید لیسانس و فوق‌لیسانس بگیری، ازدواج فعلاً زود است». کد ۱۰: «خیلی وقت‌ها، آدم خواستگار را به خانه راه نمی‌دهد، چون می‌داند خانواده، ردش می‌کند؛ قبل از ازدواج تأثیر شدیدی دارند». کد ۱۲: «تعارض بین خانواده و فرزند، این دلیل خیلی مهم است، عموماً پدر و مادران، فرزندانشان را قابل تصمیم‌گیری نمی‌دانند و آنها برایشان تصمیم می‌گیرند و به شدت برایشان مسائل مالی اولویت دارد؛ میزان مهریه، گذاشتن شرط و شروط و...».

### **ج. ناتوانی خانواده‌ها در حمایت از فرزندان**

یکی از پیامدهای گسترش شهرنشینی، کوچک شدن خانه‌ها و افزایش آپارتمان‌هاست. خانه‌های آپارتمانی، به دلیل نوع فضاسازی و ساخت آن، بسیاری از کارکردهای سنتی‌اش، مانند محل تفریح و آسایش، محل ملاقات و میهمانی، محل جشن‌ها و برگزاری آیین‌ها و محل کار و البته تولید و همه چیز، بجز محل خواب را به فضاهای شهری منتقل کرده است. طراحی آپارتمان‌ها به گونه‌ای است که سبب فردی شدن خانه و گسستن اعضای خانواده از یکدیگر می‌گردد. به عبارت دیگر، آپارتمان و زندگی آپارتمانی یکی از عرصه‌های فردگرایی شده است که خانواده‌ها دیگر توانایی برای حمایت از فرزندان خود را ندارند.

کد ۱۶: «در قدیم خانواده از جوان حمایت می‌کردند و یک اتاق در خانه به فرزندشان می‌دادند، اما الان خودشان با توجه به شرایط معماری و اقتصادی توانایی کمک ندارند».

## د. فرهنگ چشم و هم‌چشمی

کد ۷: «چشم و هم‌چشمی در پسران افزایش یافته و آنها می‌خواهند، دختر همه چیز داشته باشد و سطح مالی خانواده برایشان بسیار اهمیت دارند».

کد ۱۱: «با توجه به فرهنگ چشم و هم‌چشمی اگر دختری مدرک تحصیلی بالایی داشته باشد، اگر با کسی که سطح تحصیلات پایینی داشته باشد، ازدواج کند، مورد تمسخر قرار می‌گیرد؛ دختران برای آنکه کفوشان پیدا نمی‌شود، ادامه تحصیل می‌دهند و سپس برای آنکه اگر با مدرک پایین ازدواج کنند مورد تمسخر قرار می‌گیرند؛ سن ازدواجشان با تحصیل ارتباط یافته است».

## مدرنیته و مادی‌گرایی

### الف. عقل مدرن و محاسبه هزینه و فایده

افراد در دنیای مدرن کنونی، به یک بازشناسی و نقادی می‌پردازند که آیا این مسئولیت‌ها درست است؟ و انتقادات و تأملات را با عقل مدرن می‌سنجند و آن را رد یا تأیید می‌کنند. محاسبه هزینه و فایده، در تمام انتخاب‌ها بخصوص ازدواج نقش اساسی ایفا می‌کند و امروزه در بین جوانانی که پایگاه اجتماعی خوبی دارند، به نفع تجردگرایی گرایش دارد.

کد ۲۲: «افزایش درک و تحصیلات بانوان که به وظایف مردان نسبت به خودشان آگاه شده‌اند و این آگاه شدن نسبت به خواسته‌های بجا از همسران، انتخاب هوشمندانه است، درحالی که در قدیم، بانوان از رابطه خود احساس رضایت نمی‌کردند و از زندگی چیزی متوجه نمی‌شدند؛ نه رابطه جنسی، نه رابطه عاشقانه و منحصر به گذران زندگی و بزرگ کردن بچه‌ها بود؛ اما اکنون دیگر این‌گونه نیست».

کد ۲: «می‌دانم بعد از ازدواج باید خیلی از این کارها و موقعیت‌ها را، کنار بگذارم، حداقل خیلی از کارها را تقسیم کنم».

کد ۲: «نارضایتی دختران و پسرانی که ازدواج کرده‌اند به خاطر خیانت، سردی رابطه و غبطه به کسانی است که ازدواج نکرده‌اند».

کد ۳: «برای خواستگاری، جایی رفتم، دختر خوب بود، اما پدرش نانوا بود و من حرف مشترکی با پدرش نداشتم».

کد ۲۰: «جز برآورده شدن نیاز جنسی، هیچ احساس نیازی به ازدواج ندارم و هنوز جای خالی زن در زندگی وجود ندارد؛ اگر می‌توانستم با ازدواج موقت، نیاز جنسی را رفع می‌کردم خوب بود».

### **ب. سطره مادی گرایی و تغییر معیارهای ازدواج**

امروزه، معیارهای ازدواج در جوانان و به‌ویژه در خانواده‌ها به سمت زیبایی، پایگاه اجتماعی - اقتصادی دختر، میزان درآمد پسر، کار رسمی داشتن و... سوق یافته است.

متخصص ۱: «افزایش توقعات پسر که دختر حتماً باید زیبا و پولدار باشد، تا پله ترقی او باشد».  
کد ۱۱: «در روستای ما، پسران دنبال دخترانی با خانواده کم‌جمعیت و دارای دو دختر هستند، تا به دختر ارث برسد یا تک‌دختر پولدار، چندتا از خواستگاران که داشتم، مادرانشان گفتند: ما می‌خواهیم جایی زن بگیریم که پدر دختر، خرج پسرمان را بدهد».  
کد ۱۲: «صورت ظاهری و تعداد اعضای خانواده برایشان اهمیت دارد و به همین دلیل خواستگار ندارم».

کد ۱۵: «ازدواج وسیله کامجویی و ترقی شده است، تا زمانی که لذت و تفریح داری، نیازی به ازدواج نداری».

### **ج. شهرنشینی**

کد ۱۲: «در یک روستای کوچک، به علت افزایش شناخت‌ها از همدیگر، دوری از شهرهای مدرن، داشتن سطح تحصیلات متوسط و فرهنگ‌های یکسان، سن ازدواج پایین است. اما هرچه به سمت شهرهای مدرن حرکت می‌کنیم، معیارها بیشتر و سن ازدواج بیشتر می‌گردد».

### **د. ایدئالیست گرایی و عدم واقع گرایی**

آرزوها، ایدئال‌ها و تصویری که دختران و پسران از زندگی مشترک خود در ذهن دارند. ارزشها به سمت کمال‌گرایی سوق یافته و برخی از دختران که دارای سطح اجتماعی - اقتصادی بالایی هستند؛ به علت حضور اجتماعی زیاد در مرکز توجهات بودند، پسران را در سطح درکی پایین می‌دانند.  
کد ۲: «سطح درک پسرها پایین آمده است. در گذشته، مردان در قواعد مردانگی بد مردانگی نمی‌کردند؛ اما حالا به خاطر رسانه و... پسران سطحی‌نگر شده‌اند و به شدت با دختران متفاوت شده‌اند».

کد ۱۰: «آدم‌ها واقع‌گرا نیستند و ایدئال‌گرا شده‌اند و همین موضوع سطح توقعات را بالا برده است و بیشتر از واقعیت خود را می‌طلبند».

کد ۱۵: «تغییر ارزش‌ها و نگرش‌ها به سمت کمال‌گرایی، جوان باید در ۳۰ سالگی خانه، ماشین و کار داشته باشد».

## افزایش مشارکت اجتماعی - اقتصادی زنان

حضور اجتماعی و اقتصادی زنان سبب شده، آن مزایایی که ازدواج در گذشته برای مادران آنها داشته اعم از تحت سرپرستی اجتماعی و اقتصادی مردان قرار گرفتن، بی‌معنا شود.

کد ۲: «در حال حاضر برای این موضوع دوست دارم ازدواج کنم که وقتی پیر شدم، فرزندی داشته باشم و گرنه نیاز عاطفی، مالی، اجتماعی و... ندارم و همه اینها را دارم».

کد ۱۶: «تحصیل دختران، سبب تغییر منطقه زندگی شده و تفاوت فرهنگی ایجاد می‌شود، دخترانی که با آمدن به کلان‌شهرها با فرهنگ جامعه و خانواده خود بیگانه می‌شوند و در آنجا هم‌کفوی برای ما پیدا نمی‌شود».

## آزادی روابط جنسی

در رابطه‌های آزاد، دختران بیش از پسران دچار آسیب می‌شوند؛ زیرا بهار زندگی مردان در ۴۰ سالگی است اما گل زندگی دختران، در ۲۰ تا ۳۰ سالگی است که به علت درگیری‌های عاطفی در این ارتباطات، پرپر می‌شود.

کد ۱: «عرضه دختر نباید در جامعه باشد، چون با ریختن طرح دوستی، مرد دچار سیری کاذب می‌شود و دیگر اینکه، زحمت قوامیت که مسئولیت‌زاست را نمی‌کشد و سن ازدواج بالا می‌رود و بعد در سن ۳۵ سال به بالا به فکر ازدواج می‌افتند، آن هم به علت تولیدمثل و به دنبال دختران ۱۸ تا ۲۰ ساله می‌روند».

کد ۶: «من خیلی علاقه به ازدواج داشتم و دو رابطه در ۲۴ و ۲۷ سالگی داشتم، اما آنها من را گذاشتند و رفتند».



## موانع اقتصادی

معاش خانواده، از جمله مباحثی است که در ارتباط با ازدواج یا عدم ازدواج جوانان تأثیر بسیاری دارد و قابل کتمان نیست.

کد ۲۱: «مشخص نبودن وضعیت معیشتی و پیدا نکردن کفو، علل ازدواج نکردن من است».

کد ۱: «رسمات ظاهری؛ جهزیه، زیبایی صورت، داشتن کار رسمی و... سبب افزایش سن ازدواج می‌گردد».

هراس از مسائل معیشتی در آقایان به شدت وجود داشت، حتی در پسران مجرد طلبه.

کد ۴: «برای آقایان، ترس از ازدواج وجود دارد و در ارتباط با بانوان، این گونه نیست چون تمام زنان دوست دارند تحت حمایت و عاطفه باشند».

کد ۱۹: «به علت ترس از مسئولیت و مسائل اقتصادی و درس، به فکر ازدواج نیفتادم».

«نداشتن کار ثابت و دائمی سبب می‌شود از خواستگاری رفتن بترسم و می‌دانم که آنها به من جواب نه می‌دهند، آخر چه کسی دوست دارد، دخترش را به کسی که شغل ثابت ندارد، بدهد؟».

### شاید مورد بهتری پیش آید و وسواس بیش از حد در انتخاب همسر

یکی دیگر از عوامل افزایش سن ازدواج، احتیاط بیش از حد و وسواس گونه دختر و پسر یا خانواده آنها در مورد همسر آینده می‌باشد. این علت در دخترانی که خواستگاران فراوانی دارند، شایع است.

متخصص ۳: «یکی از علت‌ها آن است که جوانان منتظر می‌مانند تا شاید موقعیت بهتری نصیبشان شود».

کد ۱۷: «کسانی که من می‌خواهم، به خواستگاریم نمی‌آیند».

کد ۸: «ترس از آنکه مورد بهتری برایم بیاید و از انتخابم پشیمان شوم؛ در دوران لیسانس عاشق دختری شدم و قصد ازدواج داشتم اما او خیانت کرد و الان که با یکی دیگر رابطه دارم متوجه شدم، انتخاب اولی اصلاً مورد مناسبی نبود و می‌ترسم بعد از این مورد، مورد بهتری برایم بیاید».

کد ۷: «کسانی که من را انتخاب می‌کنند، من نمی‌خواهم و کسی که من می‌خواهم، من را برای دوستی می‌خواهد».

کد ۶: «مسائل اخلاقی حاکم بر جامعه، روابط آزاد دختر و پسر، نیاز به ازدواج را کم‌رنگ می‌کند

و دامنه انتخاب پسران را گسترده می‌کند و منتظر می‌ماند تا شاید مورد بهتری پیش بیاید». کد ۱۳: «افزایش آمارهای طلاق و اتفاقات در شهرهای بزرگ، اعتماد کردن را سخت می‌کند».

## ترس از ازدواج

اکثر افرادی که پیرامون ازدواج شکستی داشته‌اند، ناخودآگاه دید منفی نسبت به ازدواج دارند و این در بین دختران شایع است.

کد ۴: «ترجیح می‌دهم به جای ازدواج ناکام، اصلاً ازدواج نکنم و همچنین، افزایش آمار طلاق سبب ترس از ازدواج در بانوان شده است».

کد ۵: «ترس از مشکلات خانوادگی و افزایش طلاق و خیانت سبب شده به این مسئله برسم که به چه کسی می‌توان اعتماد کرد؟».

کد ۱۱: «وقتی ازدواج نکردم، یک دغدغه دارم که کفوم کیست؟ اما بعد از ازدواج دغدغه‌ها بیشتر می‌شود، پس ترجیح می‌دهم انتخاب موفق داشته باشم».

کد ۱۱: «به خاطر ترس از ازدواج، هر قدر سنم بیشتر می‌شود و در درس‌هایم (رشته مطالعات زنان) عمیق می‌شوم و مسائلی چون خیانت، افزایش طلاق، خشونت علیه زنان و... ترسم افزایش می‌یابد؛ بعضی وقت‌ها حس می‌کنم که اصلاً ازدواج نکنم، شاید اگر تهران نمی‌آمدم تا حالا ازدواج می‌کردم. شعار من این است، خوشبختی که الان دارم حفظ کنم و به خاطر حرف مردم خرابش نکنم و دوست دارم انتخابی خوب داشته باشم که درصد شکست آن کم باشد».

## عدم تناسب ظاهر با معیارها و نگرش‌ها

یکی از شایع‌ترین مشکلات عدم ازدواج دختران، که عموماً در سطح بالا هستند، عدم تطابق معیارها با ظاهر مثلاً بسیار اعتقادات عمیق دینی دارند که انتظار می‌رود، ظاهری بسیار متشرع داشته باشند اما ظاهرشان در حد شرع است؛ و یا عدم مشخص بودن حد و حدودهایی که در زندگی به آنها پایبند هستند. مثلاً از دغدغه اجتماعی بالایی برخوردارند و آرمان‌گرا هستند، اما به برخی مناسک پایبند نیستند که سبب می‌شود خواستگاران‌شان در دو سر طیف باشد و کسی که آنها می‌خواهند، نباشد.

کد ۵: «کسانی که خواستگار من هستند یا خیلی مذهبی هستند و به سبک زندگی مادرم هستند یا آزادند و سبک زندگی پدرم را دارند».

کد ۱۵: «خانواده ما، از نظر مذهبی نه افراطی هستند و نه تفریطی و از همه لحاظ متوسط هستیم، اما خواستگاران من یا افراطی هستند یا تفریطی».

کد ۱۸: «خواستگارهای صفر و صدی داشتم، یا عالم دینی یا دارای روابط باز با نامحرم، مثل من نیستند».

## عوامل رسانه‌ای

در عصر ارتباطات کنونی، رسانه به‌عنوان عضو جدید خانواده‌ها به رسمیت شناخته شده است و با افزایش مشارکت اجتماعی - اقتصادی زنان، رسانه آغوش خود را به‌عنوان مادر به روی فرزندان گشوده است و در جامعه‌پذیر کردن کودکان، فرهنگ‌سازی و الگودهی نقش مهمی ایفا می‌کند.

کد ۵: «عوامل رسانه‌ای سبب تزریق الگوهای غربی در جامعه و تغییر ملاک زیبایی شده است».

کد ۱۶: «رسانه‌ها، سبب شده‌اند، آدم‌های متنوعی بینیم و افراد با کمیت بالا که در سریال‌ها به نمایش می‌گذارند را فرض کنیم و آرمان‌گرا شویم و از واقعیت دور شویم و با کمیت پایین قانع نشویم».

## استراتژی‌های دختران و پسران مجرد نسبت به پدیده افزایش سن ازدواج

### افزایش باورهای مذهبی و مهارت‌های زندگی

کد ۱: «قرار دادن مبنای قرآنی و گذاشتن کلاس‌های مهارت‌های زندگی تحت عناوین شناخت جنس مخالف، مهارت‌های ارتباطی و... که سبب افزایش درک شود و این کار، کار عظیم گروهی می‌طلبد».

کد ۲: «۱. توجه به امر الهی و افزایش معنویت در جامعه، مانند اوایل انقلاب؛ ۲. آموزش، کلیدی‌ترین نقش را در جهان امروز ایفا می‌کند. به نظر بنده، ازدواج‌های دانشجویی به علت سطح آگاهی و آموزش موفق‌ترند؛ ۳. درک واقعیت‌های جامعه، کسانی که از ازدواج ناراضی هستند، کسانی هستند که نمی‌خواهند با واقعیت کنار بیایند و می‌خواهند از مشکلات فرار کنند».

### حمایت صحیح خانواده

اگر خانواده‌ها، مبنای تربیتی کودکان خود را از فردگرایی و رفاه‌طلبی به سمت تربیت استقامت‌مدار و مسئولیت‌پذیرانه سوق دهند؛ سن بلوغ فکری کودکان کاهش یافته و سن ازدواج نیز

کاهش می‌یابد.

کد ۲۰: «باید فرزندان را از کودکی مسئولیت‌پذیر بار آورد».

## حمایت دولت و نهادهای فرهنگ‌ساز

### الف. مدیریت فرهنگی درست به همراه فرهنگ‌سازی

کد ۵: «من با تئوری جغرافیای سیاسی دکتر شکوری موافق هستم؛ عوامل سیاسی بر همه چیز تأثیر دارد، و بر تمام حرکات مؤثر است. مدیریت فرهنگی مهم‌ترین نقش را ایفا می‌کند، آیا سیاست‌ها درست است؟ آیا مدیریت اجرایی درست است؟ برای مثال، رسانه تسهیل ازدواج آسان را تبلیغ می‌کند اما وام و سایر امکانات به سختی به دست می‌آید. بنابراین، باید مدیریت با برنامه‌ریزی فرهنگی درستی داشته باشیم».

کد ۱۱: «فرهنگ‌سازی این موضوع که به دختران مجرد لقب ترشیده ندهند؛ در همسایگی ما دختری ۳۱ ساله بود و به علت همین تمسخرها با کسی ازدواج کرد که هم از خودش کوچکتر بود و هم سطح مالیش بسیار پایین بود و فقط به خاطر آنکه به او ترشیده نگویند، ازدواج کرد».

ب. ایجاد خوابگاه متأهلی

کد ۱۶: «ایجاد شرایط خوابگاه متأهلی برای تمام دانشجویان».

### ج. ارتباط دانشگاه و صنعت

«برقراری ارتباط بین دانشگاه و صنعت و اشتغال، تا کسانی که دانشجو هستند بتوانند از نظر مالی، حداقل نیاز را رفع کنند».

### د. ایجاد مسکن مناسب

کد ۱۰: «دولت باید برنامه‌ریزی کند و رسانه فرهنگ‌سازی کند. چه معنی دارد که هر ارگان دولتی و خصوصی هم زن بگیرد و هم مرد، و زن بیشتر بگیرد و ساعات کاری او زیاد باشد».

### ه. ترویج ازدواج آسان

کد ۱: «ترویج ازدواج در سن پایین که هنوز زیاد تحصیلات بالا نرفته است».

کد ۲: «دولت و رسانه باید در جهت افزایش آگاهی بروند، اما متأسفانه برعکس شده و بیشتر سطحی‌نگری و مادی‌گرایی را پرورش می‌دهند».

کد ۲۲: «در برخی از مناطق شمالی، برای خرید جهیزیه، خانواده پسر موظف هستند چهار قلم جنس سنگین را متقبل شوند و خویشاوندان نزدیک خانواده دختر، با همکاری هم در خرید سایر جهیزیه کمک می‌کنند».

## و. تعبیه قوانین متناسب با شرایط زمان و مکان

کد ۱۱: «در روستایی در نکا، پسران در سن ازدواج به بهشهر می‌رفتند و زن می‌گرفتند، بعد از مدتی دختران روستا، مجرد ماندند، بزرگان جمع شدند و قانون گذاشتند که پسران روستا فقط حق دارند با دختران روستا ازدواج کنند و اگر این کار را نکنند جریمه نقدی می‌شوند و همین کار سبب شد تمام دختران اردواج کنند».

## واسطه‌گری

مهم‌ترین عامل در حل این مشکل را می‌توان واسطه‌گری دانست.

کد ۴: «واسطه‌گری برای آشنا کردن کسانی که با هم زوج خوبی را تشکیل می‌دهند».

کد ۱۰: «واسطه‌گری باید باشد».

کد ۱۱: «سازمانی برای واسطه‌گری وجود داشته باشد که بر اساس کفویت، آدم‌ها را معرفی کنند

با حضور روان‌شناسان و مشاوران خانواده».

## نتیجه‌گیری

در این پژوهش، به سه محور اساسی شامل نگرش، علل و استراتژی دختران و پسران مجرد در ارتباط با افزایش سن ازدواج، به تحلیل متون به‌دست‌آمده از مصاحبه‌های عمیق آنان پرداخته شده است. همان‌گونه که یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد، عناصر بنیادی جامعه مدرن، اعم از رفاه‌طلبی و شادکامی، روابط آزاد جنسی، حضور اجتماعی - اقتصادی، مادی‌گرایی و عقلانیت مدرن در برآورد هزینه و فایده تأثیر زیادی بر تجربه زیسته مجردین در ارتباط با افزایش سن ازدواج داشته است. لازم به ذکر است، نمی‌توان از مهیا نبودن زیرساخت‌ها برای ایجاد حداقل زندگی چون مسکن، درآمد، خوابگاه متأهلی و... گذشت؛ نقش رسانه و تغییر معیارهای ازدواج و حرکت به سوی ایدئالیست‌گرایی از دیگر علل می‌باشد.

تغییر نگرش در سال‌های اخیر، سبب افزایش سن ازدواج در دختران و پسران شده است. بالا رفتن سن ازدواج، هم می‌تواند به افزایش اضطراب‌ها و فشارهای عصبی، کاهش انگیزه فعالیت‌های اقتصادی و آسیب‌پذیری جنسی بینجامد، و هم با سپری شدن دوران شور جوانی، انگیزه تشکیل خانواده را کم و دخترانی را که به سنین بالا رسیده‌اند از دسترسی به تشکیل خانواده مأیوس کند (زیبایی‌نژاد، ۱۳۸۸، ص ۲۶). همچنین، با کاهش همبستگی خانوادگی و ترویج فرهنگ استقلال‌طلبی، از آنجا که خانواده‌ها در نظارت و حمایت از زوج نقشی کمتر از گذشته ایفا می‌کنند، زمان ازدواج جوانان تا زمانی که به اصطلاح به رشد مدیریتی و اقتصادی معروف شده است، به تأخیر می‌افتد (زیبایی‌نژاد، ۱۳۸۸، ص ۲۷).

شاید بتوان یکی از مهم‌ترین این عوامل را شیوه زندگی مدرن و سیطره تفکر مادی‌گرایی مفرط، محاسبه‌گری‌های مادی و مواردی مشابه نشان داد (زیبایی‌نژاد، ۱۳۸۸، ص ۲۶). شهرنشینی یکی از عناصر زندگی مدرن و از عوامل مؤثر در افزایش سن ازدواج است و افراد شهرنشین به دلیل کاهش حمایت‌های خانوادگی، اشتغال بیشتر به تحصیلات و تمایل به کسب شغل بهتر و بالاتر، دیرتر ازدواج می‌کنند (کاظمی‌پور، ۱۳۸۳، ص ۱۰۶). افزایش مشارکت زنان در اجتماع نیز از مؤلفه‌های زندگی مدرن می‌باشد، زنان به تعریف جدیدی از مشارکت اجتماعی با محوریت قدرت اقتصادی فراخوانده می‌شوند. در نتیجه، میل به ایفای نقش همسر و مادری، کم و روابط خانوادگی و ساختارهای خانواده دستخوش تغییر می‌شود (زیبایی‌نژاد، ۱۳۸۸، ص ۴۶). همچنین، تغییر در نقش‌های اقتصادی زنان بر عملکرد ازدواج تأثیرگذار است و به لحاظ ادبیات اقتصادی و اجتماعی - جمعیتی، گسترش سهم مشارکت زنان در بازار کار ... به تأخیر بیشتر در ازدواج منجر می‌شود (ضرابی و مصطفوی، ۱۳۹۰، ص ۴۰).

انحصار کارکرد ارضای جنسی به نهاد خانواده، همواره از پشتوانه‌های اصلی ثبات و استحکام نهاد خانواده بوده است و با شکسته شدن این انحصار، به طور طبیعی باید در انتظار کاهش تعهد افراد نسبت به حفظ خانواده، سپس افزایش میزان طلاق باشیم... آزادی ارتباطات جنسی قبل و بیرون از زناشویی به شیوه‌های گوناگون، جذابیت جنسی هر یک از زن و شوهر را تقلیل می‌دهد و طلاق را که با همبستگی جنسی دو طرف نسبت معکوس دارد، افزایش می‌دهد (رمضان نرگسی، ۱۳۸۸، ص ۱۹۷).

لازم به ذکر است «یکی از وظایف والدین، بسترسازی مناسب برای ازدواج فرزندان است. اسلام توصیه می‌کند که برای پسران خود همسر انتخاب کنید و دختران خود را شوهر دهید؛ پیش از آنکه زمینه آلودگی آنها فراهم شود. هرچند ممکن است شرایط تحصیلی و شغلی، ازدواج در سنین پایین را ایجاب نکند، ولی پدران و مادرانی که نسبت به حفظ عفت و سلامت جنسی فرزندان خود حساس هستند، می‌توانند با هم توافق کنند و با رها کردن بعضی از توقع‌های دست‌وپا گیر، راه را برای زندگی دو زوج هموار سازند (حسینی، ۱۳۸۸، ص ۱۱۳). علاوه بر خانواده، دولت در تهیه زیرساخت‌های مناسب، مؤثرترین نهاد در رفع معضل افزایش سن ازدواج می‌باشد. اصل سی‌ویکم مقرر می‌دارد: «داشتن مسکن متناسب با نیاز، حق هر فرد و خانوار ایرانی است. دولت موظف است با رعایت اولویت برای آنها که نیازمندترند، بخصوص روستانشینان و کارگران، زمینه اجرای این طرح را فراهم کند» (حکمت‌نیا، ۱۳۹۰، ص ۲۴۹).



شکل ۱: مدل پارادایمی

## منابع

- ادیب حاج باقری، محسن و همکاران، ۱۳۸۶، *روش‌های تحقیق کیفی*، تهران، بشری.
- استراس، آنسلم و جولیت کوربین، ۱۳۸۵، *اصول روش تحقیق کیفی: نظریه‌های مبانی، رویه‌ها و شیوه‌ها*، ترجمه بیوک محمدی، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- بهرام، الهه، ۱۳۹۳، *سنجش رابطه سبک زندگی و شیوه همسرگزینی (مقایسه زنان و مردان متأهل دانشگاه تهران)*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، تهران، دانشگاه الزهرا(س).
- پیرسون، کریستوفر، ۱۳۸۰، *معنای مدرنیت*، گفت‌وگو با آنتونی گیدنز، ترجمه علی اصغر سعیدی، تهران، کویر.
- حسینی، داوود، ۱۳۸۸، *روابط سالم در خانواده*، چ دهم، قم، بوستان کتاب.
- حکمت‌نیا، محمود، ۱۳۹۰، *حقوق زن و خانواده*، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- خاکخور، طاهره، ۱۳۹۱، *تجربه زیسته زنان مطلقه در شهر تهران*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، تهران، دانشگاه الزهرا(س).
- رمضان نرگسی، رضا، ۱۳۸۸، «*مدرنیسم، خانواده و طلاق*»، در: مجموعه مقالات آسیب‌شناسی خانواده، تهران، مرکز امور زنان و خانواده نهاد ریاست جمهوری.
- زیبایی‌نژاد، محمدرضا، ۱۳۸۸، *اشتغال زنان؛ عوامل، پیامدها و رویکردها (از نگاه مدیریت اجتماعی)*، در کتاب مجموعه مقالات اشتغال زنان، گردآورنده لیلیاسادات زعفرانچی، تهران، مرکز امور زنان و نهاد ریاست جمهوری.
- ساروخانی، باقر و مریم مقربیان، ۱۳۹۰، «*تجددگرایی و همسرگزینی؛ تحقیقی مقایسه‌ای در بین زنان مناطق ۱ و ۱۱ شهر تهران*»، *مطالعات فرهنگ و ارتباطات*، ش ۴۷، ص ۴۳-۷۴.
- ضرابی، وحید و سیدفرخ مصطفوی، ۱۳۹۰، «*بررسی عوامل مؤثر بر سن ازدواج زنان در ایران؛ یک رویکرد اقتصادی*»، *پژوهش‌های رشد و توسعه پایدار*، سال یازدهم، ش ۴، ص ۳۳-۶۴.
- ضرابی، وحید و سیدفرخ مصطفوی، ۱۳۹۰، «*بررسی عوامل مؤثر بر سن ازدواج زنان در ایران؛ یک رویکرد اقتصادی*»، *پژوهش‌های رشد و توسعه پایدار*، سال یازدهم، ش ۴، ص ۳۳-۶۴.



- فیلک، اووه، ۱۳۷۸، *درآمدی بر تحقیق کیفی*، ترجمه هادی جلیل، تهران، نشر نی.
- کاظمی پور، شهلا، ۱۳۸۳، «تحول سن ازدواج زنان در ایران و عوامل جمعیتی مؤثر بر آن»، پژوهش زنان، دوره دوم، ش ۳، ص ۱۰۳-۱۲۴.
- کومار، کریشان، ۱۳۸۰، *مدرنیته و کاربرد معنایی آن در مدرنیته و مدرنیسم سیاست، فرهنگ و نظریه اجتماعی*، ترجمه حسین علی نوذری، چ دوم، تهران، نقش جهان.
- گیبینز، جان آر و بو ریمر، ۱۳۸۱، *سیاست پست مدرنیته*، ترجمه منصور انصاری، تهران، نشر نی.
- گیدنز، آنتونی، ۱۳۷۶، *جامعه‌شناسی*، ترجمه منوچهر صبوری، تهران، نشر نی.
- \_\_\_\_\_، ۱۳۸۴، *پیامدهای مدرنیته*، ترجمه محسن ثلاثی، چ سوم، تهران، نشر مرکز.
- \_\_\_\_\_، ۱۳۹۱، *تجدد و تشخص (جامعه و هویت شخصی در عصر جدید)*، ترجمه ناصر موفقیان، چ پنجم، تهران، نشر نی.
- مایلز، استیون، ۱۳۹۲، *جامعه‌شناسی جوانان (روند تغییرات در سبک زندگی جوانان)*، ترجمه مینا قریب و نعیمه جوان، تهران، جامعه‌شناسان.
- مجدالدین، اکبر و احمدرضا جمالی، ۱۳۸۶، «بررسی دلایل و اثرات افزایش سن ازدواج دختران روستایی در ایران»، *جامعه‌شناسی*، ش ۸، ص ۱۳۹-۱۵۱.
- محمدی، بیوک، ۱۳۸۷، *درآمدی بر روش تحقیق کیفی*، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- مرکز تحقیقات زن و خانواده، ۱۳۹۲، *تحولات جمعیتی ایران: عوامل، پیامدها، راهبردها*، قم، مرکز تحقیقات زن و خانواده.
- مظلوم خراسانی، محمد و مهدی قناد، ۱۳۸۵، «بررسی علل و انگیزه‌های مؤثر بر ازدواج افراد ۲۵-۴۵ سال شهر بیرجند و رابطه آن با میزان رضایت از زندگی زناشویی»، *علوم اجتماعی دانشگاه فردوسی مشهد*، ش ۷، ص ۱۴۳-۱۷۴.
- Bourdieu. Pierre, 1984, *Distinction*. Cambridge, Mass, Harvard University press.
- Giddens, Anthony, 1991, *Modernity and Self-Identity: Self and Society in The Late*

*Modern age*. Cambridge: Polity Press.

- Givenes, Benjamin p & Hirschman, Charles, 1994, Modernization and Consanguineous Marriage in Iran, *Journal of Marriage and Family*, (56) 4, p. 820-834.
- Glaser, B, 1998, "*Foing grounded theory: issues and discussions*", California: Sociology press.
- Ikamari, Lawrence, 2005, The effect of education on the timing of marriage in Kenya, (12), p. 1-28.
- Inglehart, Ronald, 1997, *Modernization and Postmodernization: Cultural, Economic, and Political Change in 43 Societies*. Princeton: Princeton University Press.
- Norris, Pippa & Inglehart, Ronald, 2004, "*Sacred and Secular: Religion and Politics Worldwide*", Cambridge University press.
- Rahman, et al, 2014, "Women's household decision-making autonomy and contraceptive behavior among Bangladeshi women", *Sexual & Reproductive Healthcare*, n. 5, p. 9-15.
- Turner, Bryan S, 1996, *The body and society: Exploration in Social Theory*, London, sage.
- Zhen Guo, et al, 2012, "The Effect of Urbanization on China's Fertility", *Popul Res Policy Rev*, n. 31, p. 417-434.
- [www.srhjournal.org](http://www.srhjournal.org).
- [cos.sagepub.com](http://cos.sagepub.com).
- Elsevier Science Publishers B.V.
- <http://www.oecd.org/els/emp/17652667.pdf>.
- [noormags.com](http://noormags.com).
- [Springerlink.com](http://Springerlink.com).
- [www.jstor.org/stable](http://www.jstor.org/stable).